

طرح تحقیق در تحقیقات کاربردی جوانان

نویسنده: وسا پورونن*
مترجم: علی اکبر عسگری تلاوت

چکیده

تحقیقات کاربردی حائز جایگاهی ویژه در حوزه مطالعات جوانان است. در حال حاضر، بیشتر پژوهش‌هایی که در سطح جهان درخصوص مسائل و موضوعات مرتبط با جوانان صورت می‌گیرد، از روش‌های تحقیقات کاربردی بهره می‌گیرد. از این رو، شناخت دقیق روش‌شناسی و ویژگی‌های خاص این‌گونه تحقیقات در حوزه مسائل جوانان، امری ضروری به‌شمار می‌رود.

در این مقاله، نویسنده ضمن بررسی تمایزهای بین تحقیقات بنیادین و کاربردی، عمده‌ترین الگوهای مطرح برای این تحقیقات را در دو پارادایم اثبات‌گرایی و تفسیری معرفی می‌نماید. همچنین، با ذکر نمونه‌ای از تحقیقات کاربردی خود، به تشریح مسئله «کاربرد» در مراحل مختلف طرح تحقیق می‌پردازد.

واژگان کلیدی: طرح تحقیق، تحقیقات کاربردی، تحقیقات بنیادین

۱- مقدمه

این نوشتار، مسائل و مشکلات بنیادین موجود در تحقیقات کاربردی^۱ جوانان را مورد بررسی قرار می‌دهد. پیش از پرداختن به این مشکلات تلاش می‌کنم تا چند تعریف ابتدایی از اصطلاح «تحقیقات کاربردی» در حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی ارائه نمایم. براساس «فرهنگ واژه‌شناسی تحقیقات جامعه‌شناختی»، تحقیقات کاربردی مفهومی هم‌ردیف تحقیقات پراگماتیک یا عمل‌گرایانه است. انواع مختلف تحقیقات کاربردی عبارت‌اند از: سیاست اجتماعی، ارزیابی، پیش‌بینی (از جمله تحقیقات متمرکز بر روش‌های پیش‌بینی و تحقیقات پیش‌بینانه)، تحقیق درباره عملیات (برای مثال، علم مدیریت و علم تصمیم‌گیری)، اقدام‌پژوهی و پیمایش‌های هدایت‌شده توسط اعضای اجتماع.^۲ تحقیقات بنیادین^۳ را می‌توان متضاد پژوهش‌های کاربردی دانست. کاربرد تحقیق به‌هم‌عنای بهره‌گیری، استفاده و اجرای آن است (وان دی مرو، ۱۹۷۶: ۲۹، ۲-۶۰).

از سوی دیگر، بنا بر فرهنگ جامعه‌شناسی، اصطلاح جامعه‌شناسی کاربردی در میان جامعه‌شناسان کاربرد عمومی ندارد، زیرا «روش‌ها و یافته‌های اساسی جامعه‌شناسی اغلب در تمامی زمینه‌ها به‌کار گرفته می‌شوند.» جامعه‌شناسی کاربردی شاخه رشدیافته و مجزایی از جامعه‌شناسی نیست، اما زمانی که این اصطلاح به‌کار می‌رود، مسائل مربوط به اخلاق و استقلال حرفه‌ای دانشمندان علوم اجتماعی مطرح می‌شود (آبرکرامبی و دیگران، ۱۹۸۸: ۱۳-۱۲). خلاصه این‌که در تعریفی بسیار محدود می‌توان جامعه‌شناسی کاربردی را علم مطالعه مسائل اجتماعی^۴ دانست (وان دی مرو، ۱۹۷۶: ۲۹، ۲-۶۰، ۲۹۰).

این تعاریف در نگاه اول قابل قبول به‌نظر می‌آیند، اما پس از بررسی عمیق‌تر است که مشکلات مرتبط با به‌کارگیری مفاهیم «کاربردی» و «بنیادین» خود را نمایان می‌سازند. از این‌رو، در سطور بعد تلاش خواهیم کرد تا برخی از این مشکلات را بازگو نمایم. نخستین مشکل موجود در این زمینه، خاستگاه‌های تمایز میان تحقیقات «کاربردی» و «بنیادین» است.

۲- خاستگاه‌های تمایز میان تحقیقات کاربردی و بنیادین

تمایز میان پژوهش‌های کاربردی و بنیادین، ریشه در علوم طبیعی دارد و از نظر

- 1- Applied research
- 2- Community self-survey
- 3- Basic research
- 4- Social problems

تاریخی، ریشه آن را می‌توان به علوم در حال ظهور نیوتونی، فیزیک کلاسیک و به‌ویژه مکانیک و کاربرد آنها در دوره صنعتی شدن طی قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی منسوب دانست. مکانیک نیوتونی - یعنی بحث‌های نظری آن - عملاً زمانی با موفقیت کاربردی شد که به شکل تکنولوژی (ماشین‌آلات صنعتی، موتور بخار و غیره) درآمد. در طول قرن نوزدهم و به‌ویژه در پایان این قرن، علوم اجتماعی در حال رشد (جامعه‌شناسی و اقتصاد) براساس الگوی ارائه شده توسط موفق‌ترین علم طبیعی، یعنی فیزیک کلاسیک، شکل گرفتند (کیمل، ۱۹۸۸: ۱۰). «آگوست کنت»^۱ پدر علم جامعه‌شناسی، تلاش کرد تا جامعه‌شناسی را به‌عنوان علم طبیعی جامعه - که با استفاده از آن می‌توان روند پیشرفت جامعه و سازمان‌دهی جدید زندگی واقعی را ارتقا بخشید - توسعه دهد. به‌طور او این اهداف قابل دسترسی بودند، زیرا پس از کشف قانون توسعه تاریخی توسط وی بود که علم جامعه‌شناسی شکل گرفت (کنت ۱۸۵۱/۱۹۷۱: ۳۵۱). ایده اصلی «کنت» این بود که پدیده‌های اجتماعی و نظم اجتماعی «براساس نظم طبیعت یا به عبارتی، مجموعه کامل قوانین طبیعی» (کنت ۱۸۵۱/۱۹۷۱: ۱۱۱) بنا شده است. هدف اصلی جامعه‌شناسان، عشق و خدمت به انسانیت است، اما پیش از این کار آنها باید «از قوانین حاکم بر آن، اطلاع داشته باشند» (کنت ۱۸۵۱/۱۹۷۱: ۳۵۳). به‌نظر می‌رسد تمامی بزرگان علم جامعه‌شناسی (مارکس، دورکهایم و وبر) نیز با این دیدگاه علوم طبیعی اساساً اثبات‌گرایانه و خوش‌بینانه کنت در مورد کارکردها و وظایف علوم اجتماعی اشتراک نظر داشته‌اند.

بدین ترتیب، الگوی علوم طبیعی علوم اجتماعی هنوز الگوی اصلی و بنیادی است، هرچند که امروزه تعداد اندکی از پژوهشگران از ضرورت توسعه علوم اجتماعی براساس روش‌های علوم طبیعی صحبت می‌کنند. در هر صورت، بسیاری از مسائل موجود علوم اجتماعی مستقیماً با این معما روبه‌رو هستند که آیا علوم اجتماعی از الگوی علوم طبیعی تبعیت می‌کنند یا این‌که ماهیت متمایزی دارند. مسائلی نظیر تفاوت میان رهیافت‌های کمی و کیفی، ماهیت و وضعیت قوانین و امکان پیش‌گویی در علوم اجتماعی به این معمای بنیادین مربوط می‌شوند. مسئله «تحقیقات کاربردی در برابر تحقیقات بنیادین» نیز از موضوعاتی است که بیرون از این معما قابل درک نخواهد بود، همچنان‌که تقسیم علوم اجتماعی به دو پارادایم اثبات‌گرایی^۲

و تفسیری^۱ نیز از درون معمای بنیادین علوم اجتماعی برمی‌خیزد. پژوهش کاربردی در این پارادایم‌ها معانی مختلفی پیدا می‌کند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۳- دو پارادایم تحقیقات اجتماعی و تحقیقات کاربردی

۳-۱- تحقیقات کاربردی در پارادایم اثبات‌گرایی

به اعتقاد من، در حوزه تحقیقات اجتماعی، دو پارادایم اصلی وجود دارد: اثبات‌گرایی و تفسیری. هدف اصلی از این تقسیم‌بندی کلی، یادآوری این نکته است که مفهوم تحقیقات کاربردی، متناسب با چارچوبی که در آن به کار می‌رود، معنای متفاوتی پیدا می‌کند.

پارادایم اثبات‌گرایانه علوم اجتماعی حداقل شامل دو رهیافت است که هر دو فرضیات مشترکی در زمینه واقعیات اجتماعی و رابطه میان تحقیق و واقعیت و تئوری و عمل دارند و هر دو به صورت کم و بیش آشکاری بر مبنای الگوی علوم طبیعی علوم اجتماعی بنا شده‌اند. این مطلب بدین معنی است که در هر دو رهیافت چنین فرض می‌شود که: ۱- تنها از طریق روش‌های تجربی (برای مثال، مشاهده) است که می‌توان به واقعیت اجتماعی نزدیک شد؛ ۲- تحقیقات تجربی، دانش عینی و قابل مشاهده‌ای را درباره حقایق واقعیت اجتماعی تولید می‌کنند؛ ۳- تئوری علمی اجتماعی بر مشاهدات تجربی استوار است و از طریق استقرا به وجود می‌آید و ۴- تئوری از گزاره‌های شبه‌قانون که رابطه علی میان پدیده‌های قابل مشاهده را مورد توجه قرار می‌دهد، تشکیل می‌شود. پارادایم اثبات‌گرایی به دنبال یافتن توضیحات علی پدیده‌های اجتماعی است (مقایسه کنید با الکساندر، ۱۹۸۲: ۵-۷؛ بریور و هاتر، ۱۹۸۹: ۷-۴۶).

اولین رهیافت تحقیق اثبات‌گرایانه را می‌توان «تحقیق بنیادین» نامید که تلاش می‌کند از طریق مشاهده به تئوری پردازی برسد. دومین رهیافت را می‌توان «تحقیقات مربوط به سیاستگذاری» دانست که یافته‌های نظری پژوهش‌های بنیادین را در مورد مسائل و مشکلات اجتماعی به کار می‌گیرد. نقطه آغازین تحقیقات مربوط به سیاستگذاری ممکن است یافته‌های نظری پژوهش‌های بنیادین باشد که در مورد مشکلات واقعی اجتماعی به کار گرفته می‌شود و یا مشکلات تجربی اجتماعی که قرار است با به‌کارگیری تئوری حل شود. در واقع، تحقیقات مربوط به سیاستگذاری در جهت حل مشکلات عینی اجتماعی نظیر بزهکاری جوانان، رفتارهای مخرب و غیرقابل کنترل، خودکشی، مشکلات یادگیری، مواد مخدر، نرخ

پایین رأی‌دهی و غیره به ارائه طرح‌ها و توصیه‌های مربوط به سیاستگذاری و روش‌های سیاستگذاری اجتماعی می‌پردازند.

سومین شکل از تحقیقات بنیادین اثبات‌گرایانه، «تحقیقات تجربه‌گرای و غیرتئوریک»^۱ است. این تحقیقات بر این فرض استوار است که پدیده‌های اجتماعی به صورت تجربی و بدون واسطه قابل مشاهده هستند. تحقیقات مزبور به دنبال نظریه‌پردازی یا به‌کارگیری تئوری یا یافته‌های تحقیقات پیشین در مورد مشکلات اجتماعی نیستند (یا این‌که حداقل آشکارا به این کار مبادرت نمی‌ورزند)، بلکه تنها به جمع‌آوری اطلاعاتی می‌پردازند که در شناسایی مشکلات و آگاه‌سازی سیاستمداران و تصمیم‌گیران قابل استفاده است.

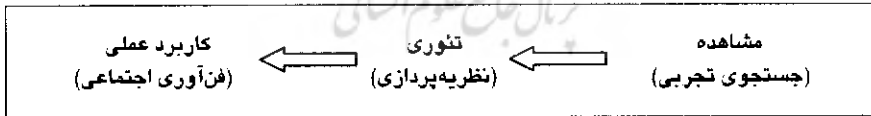
بدین ترتیب، الگوهای اثبات‌گرایانه علوم اجتماعی کاربردی را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۲-۳- الگوهای کاربرد در پارادایم اثبات‌گرایانه

۱-۲-۳- تحقیقات بنیادین

الف) نقش پژوهشگر در تحقیقات بنیادین. یک مشاهده‌گر بی‌طرف که نه توصیه‌ای در مورد شیوه حل مشکلات ارائه می‌دهد و نه سناریوهای محتمل برای آینده یا دیدگاه‌های مربوط به گزینه‌های مختلف برای سیاستگذاری را ارائه می‌نماید. محقق در اینجا فرد «مستقلی» است که تنها در برابر جامعه علمی مسئولیت دارد (مقایسه کنید با سیلورمن، ۱۹۸۵: ۸۷-۱۷۸).

نمودار ۱- تحقیقات بنیادین



ب) رابطه تحقیقات با عمل. تحقیق از عمل آن‌چنان جداست که پژوهشگر تنها به تحقیق تجربی و نظریه‌پردازی مبادرت می‌ورزد و کاربرد عملی آن را به دست‌اندرکاران مرتبط واگذار می‌نماید. مشکلات تحقیقاتی بیشتر ماهیت رشته‌ای دارند و نتیجه تحقیقات در پایان به چاپ خواهد رسید.

ج) هدف از تحقیق. هدف از پژوهش، ارائه تعمیم‌هایی است که بتواند تبیین‌های علمی پدیده‌های تجربی را ارتقا بخشد یا دستخوش تغییر نماید. به بیان دیگر، تحقیقات بنیادین، دانش را به‌خاطر دانش تولید می‌کند، اما در اصل، دانش ایجاد شده می‌تواند به منظور اعمال کنترل ایزاری بر دنیای اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد (گیدنز ۱۹۸۷: ۴۸).

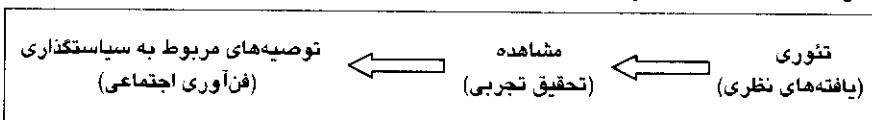
د) مراجعان. جامعه علمی

۳-۲-۲- تحقیقات مربوط به سیاست اجتماعی

الف) نقش پژوهشگر در تحقیقات مربوط به سیاست اجتماعی. یک مشاهده‌گر بی‌طرف و یک مهندس اجتماعی که درخصوص روش‌های حل مشکلات توصیه‌هایی را ارائه می‌نماید، طرح‌ها و گزینه‌های مختلف سیاستگذاری را تهیه می‌کند و سناریوهایی را در مورد آینده تولید می‌نماید. پژوهشگر تا حدی به‌وجود سرمایه‌گذار متکی است. تحقیقات مربوط به سیاستگذاری اجتماعی، گزینه‌های مختلفی را در مقابل پژوهشگر قرار می‌دهد و وی را با مسائل اخلاقی مختلفی روبه‌رو می‌سازد؛ به‌عنوان مثال، محقق از منافع و علایق کدام گروه یا دسته حمایت می‌کند: جوانانی که دچار مشکل هستند، سیاستگذاران، تصمیم‌سازان، مسئولان، جامعه علمی یا رشته علمی فرد محقق. محقق می‌تواند در برابر مراجعان و جامعه علمی مسئول باشد.

ب) رابطه تحقیقات با عمل. تحقیق رابطه مستقیمی با عمل دارد: مشکلات از متن محیط‌های سیاستگذاری برگرفته می‌شود و نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های مرتبط در حل مشکلات واقعی اجتماعی به‌کار می‌رود. در طرح تحقیق، هدف اعمال کنترل ایزاری بر شرایط و موقعیت‌های واقعی لحاظ می‌گردد و نتایج آن نیز اغلب منتشر می‌شود.

نمودار ۲- تحقیقات مربوط به سیاست اجتماعی



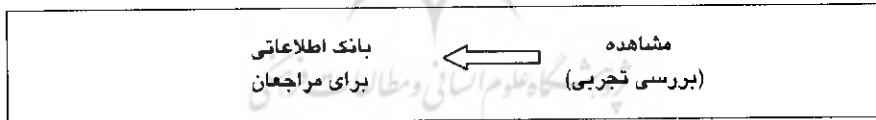
ج) اهداف. اهداف مدنظر در این نوع تحقیق عبارتند از: ایجاد روابط علی میان پدیده‌ها؛ شناسایی متغیرهای قابل کنترل توسط تصمیمات سیاستی؛ بسط روش‌های مختلف برای حل مشکل؛ تهیه سناریوهای مختلف؛ ارائه پیشنه‌بینی‌ها و... دانش حاصل از این تحقیقات نیز آماده به‌کارگیری است.

د) مراجعان. سیاستگذاران، تصمیم‌سازان، دست‌اندرکاران مرتبط و جامعه علمی. بدین ترتیب، مدل‌های اول و دوم توجه چندانی به نتایج بعدی به‌کارگیری تحقیقات انجام شده ندارند. زمانی که تئوری یا یافته‌های تجربی یک تحقیق در جریان سیاستگذاری به‌کار گرفته می‌شوند، می‌توان بازخورد به‌دست آمده را به جامعه علمی منعکس نمود که این امر ممکن است به فرمول‌بندی جدیدی از مسائل تحقیقاتی، فرضیه‌پردازی نظری و تعریف طرح‌های تحقیقاتی جدید منجر گردد.

۳-۲-۳- تحقیقات تجربه‌گرا

الف) نقش پژوهشگر در تحقیقات تجربی. نقش محقق در این حوزه، جمع‌آوری داده‌های تجربی برای سیاستگذاران و تصمیم‌سازان و تأمین خواسته‌های سرمایه‌گذاران است. او تنها در برابر مراجعان خود احساس مسئولیت می‌کند.

نمودار ۳- تحقیقات تجربه‌گرا



ب) رابطه تحقیقات با عمل. تحقیق، ابزار بی‌طرفی برای جمع‌آوری اطلاعات است. مشکلات و مسائل، تعریف شده هستند و نتایج تحقیق از سوی سرمایه‌گذاران مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. از آنجا که نتایج این نوع تحقیقات لزوماً منتشر نمی‌شود، اهمیت علمی آنها پایین و تردید برانگیز است.

ج) هدف. جمع‌آوری داده‌های قابل اعتماد درباره پدیده‌های اجتماعی و متغیرهای قابل کنترل.

د) مراجع. سرمایه‌گذاران.

۳-۳- تحقیقات کاربردی در پارادایم تفسیری

فرض اصلی پارادایم تفسیری تحقیقات اجتماعی این است که تنها بخشی از واقعیت‌های اجتماعی، قابل مشاهده هستند و روابطی فراتر از داده‌های قابل مشاهده نیز وجود دارد. همچنین، فرض بر این است که تمامی مشاهدات ما از واقعیات، تحت تأثیر واسطه‌های مفهومی یا تئوریک هستند. همچنین، دانش بی‌طرف - در مفهوم اثبات‌گرایانه بی‌طرفی - وجود ندارد و تمامی دانش‌ها طی یک فرایند اجتماعی تولید می‌شوند. این پارادایم به روابط جبرگرایانه و شبه‌قانونی میان پدیده‌های اجتماعی، اعتقادی ندارد، اما بیان می‌دارد که روابط اجتماعی حداقل تا حدودی به یکدیگر وابسته هستند. این پارادایم به دنبال تفسیر پدیده‌های اجتماعی - اغلب از دیدگاه کارگزاران اجتماعی - است.

علوم اجتماعی تفسیری، بر اهمیت زندگی روزمره و گزارش‌ها و تفسیرهای بازیگران از وقایع تأکید می‌کند. این بدان معنی است که طرح تحقیق در جامعه‌شناسی تفسیری ذاتاً با طرح تحقیق مورد استفاده در تحقیقات اثبات‌گرایانه تفاوت دارد. بازیگران اجتماعی، اغلب در پروژه‌های تحقیقاتی مشارکت می‌کنند و دانش آنها برای فهم پدیده‌های اجتماعی با اهمیت تلقی می‌گردد. پژوهشگران نیز عموماً در زندگی روزمره مطالعه‌شوندگان مشارکت می‌کنند. تحقیقات اجتماعی تفسیری را نمی‌توان به روشی که تحقیقات اثبات‌گرایانه به کار گرفته می‌شود، به کار بست. از آنجا که این روش، به تولید تئوری (که فرضیه‌هایی شبه‌قانونی را در زمینه روابط علی میان پدیده‌های قابل مشاهده بیان می‌کند) نمی‌انجامد، قادر به توسعه و بسط فن‌آوری اجتماعی نیز نمی‌باشد. با این حال، تحقیقات تفسیری با اعمال و واقعیات‌های اجتماعی ارتباط دارند و اغلب توسط دست‌اندرکارانی همچون متخصصان کار با جوانان، سیاستمداران و پژوهشگران دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. علوم اجتماعی تفسیری با اطلاق اسامی جدید به پدیده‌ها، مفاهیم جدیدی از واقعیات‌های اجتماعی ارائه می‌دهند و با نزدیک شدن به پدیده‌های موجود از زوایای جدید، دریچه‌های تازه‌ای را برای مشاهده واقعیات‌های اجتماعی می‌گشایند. علوم اجتماعی تفسیری با عمل اجتماعی^۱ نیز رابطه‌ای دیالکتیکی دارند؛ بدین صورت که از ماهیت و چگونگی تعامل با واقعیات اجتماعی سخنی به میان نمی‌آورند، بلکه تلاش می‌کنند تا راه‌های مهم و متفاوتی را برای مشاهده و بررسی واقعیات پیشنهاد نمایند.

نمونه شناخته شده نگاه جدید به مفاهیم روزمره و نهادهای اجتماعی که برای همگان به امور بدیهی تبدیل شده، نظریات و تحقیقات فمینیستی (که ماهیت اجتماعی جنسیت را آشکار ساخته است) و تحلیل مکالمات (که آداب و روابط قدرت موجود در حوزه مکالمات روزمره مردم را نمایان ساخته است)، می باشد.

۳-۱- تحقیقات تفسیری

الف) نقش محقق در تحقیقات تفسیری. محقق، یک مشاهده گر یا مشارکت جوی فعال در زندگی روزمره مطالعه شونده‌گان است و هدف از تحقیق، ارائه دیدگاه‌های بازیگران می باشد. تحقیقات تفسیری گزینه‌های متعددی را به پژوهشگر ارائه می نماید، اما در مقابل، مسائل اخلاقی زیادی را نیز به دنبال دارد؛ مسائلی نظیر رعایت حریم خصوصی بازیگران، محرمانه بودن مصاحبه‌ها و اطلاعات به دست آمده از طریق مشاهده، مسئولیت پژوهشگر در قبال مطالعه شونده‌گان پس از تکمیل تحقیق و موارد دیگر.

نمودار ۴- تحقیقات تفسیری



ب) رابطه تحقیقات با عمل. مسائل تحقیق از دو منشأ علایق رشته‌ای و امور عینی و عملی نشأت می گیرند. این گونه از تحقیق ممکن است به خودی خود مستلزم مشارکت عملی در زندگی روزمره مطالعه شونده‌گان باشد. میزان مشارکت و قابلیت کاربرد نتایج، با توجه به نوع طرح تحقیق متفاوت خواهد بود. بدیهی است که نتایج به دست آمده از پژوهش نیز منتشر خواهد شد.

ج) اهداف. انعکاس دیدگاه‌های بازیگران؛ ارائه تفسیرهای جدید از پدیده‌های اجتماعی که ممکن است در هنگام تلاش برای حل مسائل اجتماعی به کار آیند و ارتقای فهم و درک موجود از پدیده‌های اجتماعی.

د- مراجعان: جامعه علمی، دست اندرکاران امور.

آشکار است که الگوهای تحقیقات کاربردی یاد شده (تحقیقات بنیادین، تحقیقات مربوط به سیاستگذاری اجتماعی، تحقیقات تجربه‌گرای و تحقیقات تفسیری) تمامی

ویژگی‌های محتمل طرح‌های پژوهشی موجود را دربرنمی‌گیرند. به بیان دیگر، شکل‌گیری این الگوها (همانند هر الگوی دیگری به‌طور کل) تنها زمانی امکان‌پذیر بود که برخی ویژگی‌ها و انواع تحقیقات مستثنی می‌شد. پس، نقطه آغازین شکل‌گیری این الگوها، ایجاد تمایز میان پارادایم‌های مختلف موجود در علوم اجتماعی (به‌عنوان یکی از چندین نقطه شروع محتمل) بود که در ادامه، به تبیین دو احتمال دیگر در شکل‌گیری انواع تحقیقات کاربردی خواهیم پرداخت.

ویلیام فوت وایت^۱ - جامعه‌شناس جوانان و نویسنده کتاب «جامعه کنارخیابان» (۱۹۸۴) - انواع مختلف تحقیقات کاربردی را براساس میزان و نوع مشارکت مطالعه‌شوندگان در فرایند تحقیق از یکدیگر جدا می‌کند. او تحقیقات کاربردی را به سه نوع مختلف تقسیم می‌نماید: در اولین نوع، محقق، کارشناس زبده‌ای است که به مراجعان خود می‌گوید که چه باید بکنند. مسائل تحقیق نیز توسط مسئولان سازمان‌های مراجعه‌کننده انتخاب می‌شود و پژوهشگر طی فرایند پژوهش در قبال آنها مسئولیت دارد و مستقیماً با آنها کار می‌کند. نوع دوم تحقیقات کاربردی، در چارچوب توسعه سازمانی انجام می‌پذیرد و هدف از طراحی آن، حل مشکلات سازمانی - به‌عنوان مثال مشکلات محل کار - است. محقق در اینجا نیز در برابر مسئولان سازمان پاسخگو است، اما می‌تواند در حکم واسطه میان کارگران و مدیران نیز عمل کند. نوع سوم تحقیقات کاربردی، اقدام پژوهی مشارکتی است. در این نوع تحقیق، پژوهشگر در برابر تمامی اعضا و مشارکت‌کنندگان در تمامی سطوح سازمانی که در طراحی پروژه و روند تحقیق - از جمله در گزارش یافته‌ها - مشارکت داشته‌اند، مسئولیت دارد (وایت، ۱۹۸۳: ۹۱ - ۱۶۳).

اما «مارتین بولمر»^۲ بر این باور است که ایجاد تمایز میان تحقیقات بنیادین و کاربردی در علوم اجتماعی جایی ندارد، چون محصولات تحقیقات اجتماعی اغلب شامل هر دو بعد بنیادین و کاربردی می‌شوند. او پیشنهاد می‌کند که به جای ایجاد دو شاخه «تحقیقات بنیادین/ کاربردی»، بهتر است از تقسیم‌بندی تحقیقات به سه دسته بنیادین، تاکتیکی و استراتژیک بهره جوییم: «تحقیق بنیادین»، پژوهشی است که به مسائل تئوریک یک رشته خاص اشاره دارد؛ هدف «تحقیقات تاکتیکی» حل مشکلات واقعی و مشهود اجتماعی است و «تحقیق استراتژیک» نیز چیزی میان این دو - یعنی نه کاملاً تئوریک و نه کاملاً ابزاری - است (بولمر ۱۹۹۰: ۹-۱۱۸). پس از این بازی معنایی با کلمات و تعاریف باید گفت که

1- William Foote Whyte.
2- Martin Bulmer

چنانچه هدف موردنظر، انجام یک تحقیق خوب و قابل قبول است، نمی‌توان خود را به پارادایم‌های اثبات‌گرایانه و تفسیری (یا تحقیق بنیادین، استراتژیک، تاکتیکی یا مشارکتی) محدود نمود و در صورت نیاز، باید آمادگی به کارگیری تمامی روش‌ها و رهیافت‌های مختلف را داشت (مقایسه کنید با اسمیت، ۱۹۹۱: ۳-۵). تجربه من - که مایلیم به آن اشاره‌ای مختصر نمایم - نشان می‌دهد که اولاً، مفاهیم کاربرد و تحقیقات کاربردی می‌توانند حتی در یک پروژه تحقیقاتی مشخص نیز معانی بسیار متفاوتی داشته باشند؛ ثانیاً، یک طرح تحقیق مشخص نمی‌تواند از ترجیحات پارادایمی از پیش تعیین شده^۱ پیروی کند، بلکه باید در برابر موضوعات عینی و مشخص مورد مطالعه، حساس و انعطاف‌پذیر باشد؛ ثالثاً، باید از نقاط شروع معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانه تحقیق مطلع بود و اثرات آنها را بر روی طرح‌های پژوهشی شناخت.

۴- تحقیقات کاربردی در عمل: فعالیت‌های گروه‌های جوانان و معنای آنها

به هم‌نظر معرفی نمونه‌ای از پروژه‌های تحقیقات کاربردی جوانان که در آن، «کاربرد» مستلزم مفاهیم متعدد و مختلف است، به تشریح پروژه‌ای که طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ به انجام رسانده‌ام، می‌پردازم. عنوان اولیه این پروژه تحقیقاتی، «انجمن‌های جوانان در کارلیای شمالی» (در جنوب شرقی فنلاند، با جمعیت تقریبی ۱۷۵۰۰۰ نفر) در طول دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود. پروژه تحقیقاتی از زمان تدوین مسائل تحقیق تا انتشار نتایج آن، دارای مراحل بسیاری بود و نوعی از کاربرد در تمامی مراحل تحقیق، لازم و ضروری بود. مرحله اول، تدوین عنوان تحقیق بود. در این مرحله، من از دانش تجربی و دیدگاه‌های تئوریک دیگر پژوهشگران که در تحقیق‌ها و نظریه‌پردازی‌های قبلی درباره عنوان مورد نظر به دست آمده بود، استفاده کردم. همچنین از اطلاعات جمع‌آوری شده طی یک پروژه آزمایشی^۲ در فاصله سال‌های ۸۴ - ۱۹۸۳ با عنوان «کار جوانان در کارلیای شمالی از سال ۱۹۷۳» سود جستیم؛ این پروژه آزمایشی به‌ابتکار هیأت محلی جوانان تحقق یافته بود.

دومین مرحله پروژه، جمع‌آوری داده‌های تجربی بود. در این مرحله، من برای به دست آوردن یک دیدگاه کلی در مورد توسعه کمی و تاریخی انجمن‌های جوانان در منطقه طی دوره مورد نظر، از روش‌های جمع‌آوری و تحلیل تاریخی و آماری داده‌ها بهره جستیم. براساس این دیدگاه آماری و تاریخی، من می‌توانستم بارزترین

1- Priori paradigmatic preferences

2- Pilot project

روندهای شکل‌گیری انجمن‌های جوانان را پیدا کنم و چند انجمن را برای تحقیقات تکمیلی و دقیق‌تر انتخاب نمایم.

نتایج اولیه تحقیق سخت شگفت‌آور بود، زیرا به نظر می‌رسید که وضعیت این انجمن‌ها باعث نفی یا حداقل نسبی‌سازی فرضیه عمومی بحران انجمن‌های جوانان در فنلاند بودند. همچنین، نشان می‌داد که این فرضیه به‌طور کامل غلط یا درست نبود، بلکه برای برخی انجمن‌ها غلط و برای برخی دیگر صحیح بود. به بیان دیگر، انجمن‌های سیاسی به‌ویژه انجمن‌های چپ‌گرا در بحران سختی به سر می‌بردند، در حالی که انجمن‌های سیاسی جناح راست و انجمن‌های به‌اصطلاح غیرسیاسی در شرایط خوبی قرار داشتند. در مجموع، این نتایج غیرمنتظره، ما را به مرحله بعد، یعنی علت‌یابی و وضعیت موجود هدایت کرد.

در همان زمانی که من به این نتایج اولیه دست یافته بودم (۱۹۸۷)، فعالیت‌های جوانان در خارج از این انجمن‌ها شکل‌های جدیدی به‌خود می‌گرفت؛ برای مثال در شهر محل سکونت من، یک گروه محلی فعال و پرنفوذ در زمینه تئاتر خیابانی ظهور کرد. اهمیت این پدیده تا حدی بود که آن را شایسته بررسی و تحقیق می‌ساخت. از آنجا که این گروه تئاتر یک سازمان رسمی نبود، این امکان وجود داشت که فعالیت‌های آن را با فعالیت‌های رسمی‌تر انجمن‌های جوانان مقایسه نمود. در این مرحله (مرحله سوم)، من با به‌کارگیری نتایج اولیه پروژه و استفاده از اطلاعات به‌دست آمده از روزنامه‌ها در مورد اشکال جدید فعالیت‌های جوانان، صورت‌بندی جدیدی به مسئله تحقیق دادم؛ چنان‌که طرح پژوهشی گسترش یافت و عنوان تحقیق از انجمن‌های جوانان به «گروه‌های جوانان و فعالیت‌های آنان» تغییر نام داد.

مرحله بعدی تحقیق نیز به جمع‌آوری مواد پژوهشی تجربی اختصاص داشت؛ از این‌رو، ابتدا روش‌های اسنادی و مصاحبه‌ای را به کار گرفتم و پس از مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته با ۲۵ تن از فعالان انجمن‌های جوانان، و سابقه فعالیت‌های این انجمن‌ها از جمله: دفاتر کاری، قوانین مربوط به انجمن‌ها، مقررات آنها، دیگر قوانین و مقررات حاکم بر کار جوانان در سطح ملی و محلی و غیره را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادم.

همزمان با جمع‌آوری اطلاعات، با مطالعه کتاب‌های روش‌شناسی دریافتم که انجام مصاحبه، ضرورتاً نمی‌تواند بهترین اطلاعات ممکن در مورد فعالیت گروه‌های جوانان را در اختیار من قرار دهد، زیرا مصاحبه‌شوندگان تنها می‌توانستند تفسیرهای خود را در مورد فعالیت‌های مورد نظر ارائه دهند که علی‌رغم اهمیتشان، دیگر

ابعادی را که به سادگی و فی الفور نمی‌توان به صورت شفاهی بیان کرد، دربر نمی‌گرفت. و من این نظرها را در طراحی آخرین مرحله تجربی تحقیق، که موضوع مورد مطالعه آن تئاتر خیابانی بود، به‌کار گرفتم؛ به طوری که به عضویت این گروه تئاتر درآمدم و در زمان اجرای اصلی و همچنین هنگام طراحی و تمرین نمایش‌ها به‌عنوان دستیار در کنار آنها ظاهر شدم. در این مرحله من از روش «مشاهده توأم با مشارکت»^۱ استفاده نمودم و با اعضای گروه تئاتر خیابانی به صورت نیمه‌سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته - همان روشی که با فعالان انجمن‌های جوانان مصاحبه کرده بودم - مصاحبه انجام دادم.

در نتیجه اعمال روش‌های متعدد جمع‌آوری اطلاعات توانستم مجموعه‌ای بالغ بر ۶۰۰ صفحه متن مصاحبه پیاده شده، ۷۵ صفحه دست‌نوشته راجع به حضور در میان جوانان و شمار قابل توجهی اسناد و مدارک رسمی را به دست آورم و از آنها در تحلیل داده‌ها بهره‌گیرم. پس از تحلیل‌های کیفی اولیه، براساس توضیحات و محدودیت‌های مورد اشاره در قوانین و مقررات انجمن‌های جوانان، شکل ایده‌آلی از انجمن جوانان را به تصویر کشیدم. قدم بعدی مقایسه انجمن‌های جوانان با این نوع ایده‌آل بود که در نتیجه آن، ویژگی‌های قابل توجهی از فعالیت‌های محدودساز و روش‌های جاری این انجمن‌ها آشکار گردید - روش طراحی یک نوع ایده‌آل در این تحلیل بسیار سودمند بود. علاوه بر این روش، من از دیگر روش‌های عمومی‌تر تفسیری نیز استفاده کردم؛ برای مثال، من زمانی که دریافتم تمامی انجمن‌های سیاسی جوانان انعطاف و شادابی خود را از دست داده و به سازمان‌هایی بوروکراتیک و غیرقابل انعطاف تبدیل شده‌اند، تلاش کردم تا تئوری‌های کلاسیک احزاب سیاسی را به‌کار گیرم. قانون الیگارش‌ی رابرت مایکل^۲ نیز در این زمینه برایم بسیار سودمند بود.

آخرین (هشتمین) مرحله تحقیق، انتشار و توزیع گزارش تحقیق (پورونن، ۱۹۸۹) - نتایج این بررسی و کاربرد آنها توسط کارگزاران اجتماعی مختلف - بود. بدیهی است که نتایج این تحقیق برای کارکنان جوان در سطح محلی بسیار جالب توجه بود؛ زیرا طبق قانون، وظیفه اصلی مقامات محلی فنلاند در قبال جوانان، ترویج و ارتقای فعالیت‌های انجمن‌های آنان است. فعالان انجمن‌های جوانان نیز به نتایج تحقیق علاقه نشان دادند، زیرا تا حدی می‌توانستند در مورد نحوه فعالیت و میزان موفقیت مؤسسه خود، در مقایسه با دیگر مؤسسات جوانان، برای دستیابی به اهداف مورد نظر اطلاعات به دست آورند. مقامات ملی نیز با توجه به مسئولیتشان در زمینه

تأمین بودجه فعالیت‌های این انجمن‌ها، از نتایج این بررسی استقبال کردند. بدین ترتیب، در این مرحله، این تحقیق به تحقیق کاربردی تبدیل شد. البته این تحقیق نمی‌توانست در زمره تحقیقات مربوط به سیاست اجتماعی (حداقل در آغاز) درآید، اما کمک بزرگی به بحث‌های موجود در زمینه انجمن‌های جوانان و کار و دیگر روابط آنان نمود.

جدول زیر مراحل طرح تحقیق یاد شده را به اختصار توصیف می‌کند:

جدول شماره ۱ - «کاربرد» در مراحل مختلف طرح تحقیق

مرحله	مأموریت	نوع کاربرد	طرح تحقیق
مرحله اول	تدوین اولیه مسئله تحقیق	به‌کارگیری دانش نظری - تجربی پیشین	بررسی ادبیات موجود
مرحله دوم	جمع‌آوری داده‌های تجربی، تحلیل داده‌ها	کاربرد روش‌های جمع‌آوری داده‌های تاریخی و آماری	نظرسنجی، تحقیقات تاریخی و آماری
مرحله سوم	صورت‌بندی مجدد مسئله تحقیق	کاربرد نتایج اولیه و دانش تجربی و اطلاعات به دست آمده از طریق بررسی روزنامه‌ها، به‌کارگیری اطلاعات نظری و روش‌شناختی	کاهش دامنه تحقیق و توسعه طرح تحقیق
مرحله چهارم	جمع‌آوری داده‌های تجربی، تحلیل داده‌ها	به‌کارگیری مصاحبه سازمان یافته و نیمه سازمان یافته، تحلیل کیفی	تحقیق کیفی: مصاحبه‌های متمرکز
مرحله پنجم	—	به‌کارگیری اطلاعات نظری و روش‌شناختی	گسترش طرح تحقیق و دامنه پژوهش
مرحله ششم	جمع‌آوری داده‌های تجربی، تحلیل داده‌ها	به‌کارگیری روش مشاهده توأم با مشارکت، تحلیل کیفی	تحقیق کیفی: مشاهده متمرکز توأم با مشارکت، مطالعه موردی
مرحله هفتم	تفسیر داده‌ها	به‌کارگیری تئوری‌ها، روش نوع ایده‌آل، انجام مقایسه، ملاقات با مصاحبه‌شوندگان	—
مرحله هشتم	انتشار تحقیق، توزیع نتایج: گزارش به رسانه‌ها، تهیه مقالات، سخنرانی‌ها و توزیع گزارش در میان دیگر پژوهشگران	به‌کارگیری نتایج تحقیق توسط کارگزاران اجتماعی جوانان، فعالان در زمینه کار با جوانان، مسئولان در تمامی سطوح اداری، کمیته کار جوانان و دیگر پژوهشگران	—

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که کاربرد تحقیق در مراحل مختلف پروژه، معانی مختلفی دارد. پروژه توصیف‌شده، پروژه‌ای ایده‌آل نیست، بلکه پروژه‌ای بسیار پیچیده و زمان‌بر است؛ در حالی که زمان در بسیاری از پروژه‌های تحقیقات کاربردی یک منبع بسیار محدود به‌شمار می‌رود. یکی دیگر از مشخصات بارز پروژه من این بود که علی‌رغم تأمین مالی آن از سوی وزارت آموزش و مقامات محلی جوانان، دستگاه‌های مزبور هیچ محدودیت عملی یا اخلاقی را در زمینه ارضای حس کنجکاو من قائل نشدند. مرحله نهایی طرح تحقیق، کاربرد نتایج آن توسط کارگزاران اجتماعی مختلف بود که من در اینجا مایلم به یک روش به‌کارگیری که اهمیت زیادی دارد، اشاره نمایم. پس از انتشار گزارش من، کمیته شبه‌پارلمانی کار جوانان^۱ تشکیل شد. اعضای این کمیته عبارت بودند از: سیاستمداران عالی‌رتبه جوانان و مسئولان دولتی. همچنین، استثنائاً یک محقق مسائل جوانان نیز به‌عنوان کاندیدای عضویت در این کمیته معرفی شد. کمیته در گزارش خود به تحقیق من اشاره کرد، اما (به‌نظر من) بخش‌های مهمی از این گزارش به‌وضوح نادیده گرفته شد، زیرا محتوای آنها به مذاق احزاب سیاسی چندان خوشایند نبودند. پس از تکمیل گزارش تحقیق، من مقاله‌ای را منتشر نمودم و در آن از آمار گسترده ملی درخصوص تعدادی از انجمن‌های جوانان استفاده کردم. همچنین، بیان نمودم که بحران موجود در انجمن‌های سیاسی جوانان یک پدیده ملی است و این نتایج که به کمیته منعکس شده بود، مورد بی‌توجهی قرار گرفت.

هرچند که کمیته به نتایج تحقیقات من توجه کرد و از آنها بهره‌برداری نمود، اما توصیه‌های صادره از سوی آن، بیشتر به نوعی جمع‌بندی و مصالحه میان نتایج تحقیق و علایق و منافع احزاب سیاسی و انجمن‌های سیاسی جوانان شباهت داشت، زیرا نمایندگان گروه‌های ذی‌نفوذ سیاسی، اکثریت اعضای کمیته را تشکیل می‌دادند و دیدگاه‌های آنان در تهیه گزارش نهایی کمیته مورد تأکید قرار گرفته بود. علاوه بر این، تا آنجا که بنده اطلاع دارم، توصیه‌های کمیته جوانان تا کنون - دو سال پس از انتشار گزارش کمیته - به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفته است که یکی از علل این امر، تعمیق رکود اقتصادی در فنلاند است که انجام هرگونه اصلاحات نیازمند بودجه و سرمایه‌گذاری اضافی را متوقف کرده است.

بی‌میلی سیاستمداران به پذیرش و اجرای نتایج تحقیقی که با اهداف آنها هماهنگی ندارد، پدیده‌ای شناخته شده است که در اثر آن، امید برای به‌کارگیری

نتایج تحقیق از بین می‌رود، زیرا سیاست نتیجه یک انتخاب منطقی و آگاه از بین طرف‌های رقابت‌کننده، آن‌طور که مورد نظر محقق است، نیست. در واقع، فرایند سیاست‌گذاری از جمله چانه‌زنی بین گروه‌های ذی‌نفع مختلف (بولمر ۱۹۹۰)، اغلب صورتی آشفته، سردرگم و بی‌نتیجه دارد.

۵- نتیجه‌گیری

محققان باید نسبت به موضوعات تحقیقات خود حساس باشند و از پیش‌فرض‌ها و نتایج هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه طرح تحقیق انتخابی، آگاهی داشته باشند. طرح کمی - برای مثال، تحقیق نظرسنجی - مستلزم اتخاذ دیدگاه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه معینی است که ممکن است محدود کننده نیز باشند. به عنوان مثال، اگر با استفاده از یک نمونه نظرسنجی سراسری، رفتارهای مخرب و نابهنجار در مدارس را مورد مطالعه قرار دهیم، به یک دیدگاه ملی در آن مورد دست می‌یابیم. برای این کار می‌توانیم تعدادی از مدارس و کلاس‌هایی را که در آنها رفتار مخرب روی می‌دهد و یا حتی تعدادی از دانش‌آموزان را که از خود رفتارهای مخرب بروز می‌دهند، مورد مطالعه قرار دهیم. اگر ما پرسشنامه جامعی نیز تهیه کرده باشیم، می‌توانیم به برخی اطلاعات مربوط به پیشینه اقتصادی - اجتماعی محصلین دست یابیم. پس از تجزیه و تحلیل آماری پرسشنامه‌ها ممکن است بتوانیم یا نتوانیم، به روابط بین متغیرهای مختلف پی ببریم. همچنین، در صورتی که متغیرهای تبیینی ما با استفاده از تصمیمات سیاستی قابل کنترل باشند، می‌توانیم برخی توصیه‌های سیاستی را نیز به آنان ارائه دهیم.

در مجموع، اگرچه ما قادر به تأمین نیازمندی‌های مراجعانمان بوده‌ایم، اما ضرورتاً قادر به افزایش فهم و درک خود از پدیده‌های مورد مطالعه نبوده‌ایم. همچنین، ما قادر به تقویت درک و آگاهی افرادی که در شرایط واقعی زندگی - یعنی محل وقوع رفتارهای نابهنجار - زندگی می‌کنند، نبوده‌ایم. ما تنها توانسته‌ایم از این بازیگران به عنوان منابع اطلاعات استفاده کنیم و ابزاری را در اختیار سیاستگذاران برای کنترل آنها قرار دهیم. علت این امر آن است که گزینه اولیه طرح تحقیق ما، به افراد مورد مطالعه به مثابه اشیا نگاه می‌کند (مقایسه کنید با برور و هانتر، ۱۹۸۹: ۸-۱۴). اگر طرح تحقیق ما یک طرح تفسیری یا کیفی بود، می‌توانستیم گونه‌ای از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی را انتخاب کنیم که مطالعه‌شوندگان تحقیق را به مثابه عناصر آگاه و دارای فهم تصور کند.

همچنین، براساس نوع تحقیق تفسیری، ما می‌توانستیم فهم خود را از پدیده‌ای با عنوان رفتار مخرب و نابهنجار (همانند «پل ویلیس»^۱ در مطالعه معروفش با عنوان «یادگیری برای کارگری») افزایش دهیم و تفسیر جدیدی را از مشکلات اجتماعی بنا بر دیدگاه افراد درگیر در آن ارائه نماییم. اگر ما طرح تحقیق مشارکتی‌تری را انتخاب کرده بودیم، می‌توانستیم مشارکت‌کنندگان در طرح را برای تغییر شرایط و رفتارهای رایج در اماکنی که در آنها رفتار نابهنجار رخ می‌دهد، توانمند نماییم. بدیهی است که قابلیت کاربرد به‌عنوان نقطه شروع طرح تحقیق لزوماً به‌هم عنای ایجاد محدودیت‌های هستی‌شناسانه یا معرفت‌شناسانه نیست. با این حال، تمامی طرح‌های تحقیق محدودیت‌های خاص خود را دارا هستند و این حقیقتی است که باید بدان اذعان داشته باشیم.

* Vesa Puuronen (1993), "Research Design in Applied Youth Research", YOUNG, Volume 1, Number 1, 1993.

References

- Abercrombie, Nicholas, Stephen Hill & Bryan S. Turner (1988) *The Penguin dictionary of sociology* London: Penguin.
- Alexander, Jeffrey C. (1982) *Theoretical logic in sociology. Volume one. Positivism, presuppositions, and current controversies* Berkeley: University of California Press.
- Brewer, John & Albert Hunter (1989) *Multimethod research. A synthesis of styles* Newbury Park: Sage.
- Bulmer, Martin (1990) 'Successful applications of sociology', Christopher G. A. Bryant & Henk A. Becker (eds) *What has sociology achieved* London: Macmillan.
- Comte, Auguste (1971/1851) *A general view of positivism* Dubuque: Brown Reprints.
- Giddens, Anthony (1987) *Social theory and modern sociology* Cambridge: Polity Press.
- Kimmel, Allan J. (1988) *Ethics and values in applied social research* Newbury Park: Sage.
- van der Merve, Caspar (1976) *Thesaurus of sociological research terminology* Rotterdam: Rotterdam University Press.
- Puuronen, Vesa (1989). *Nuorisoryhmien toiminta ja toiminnan mieli* Joensuu: University of Joensuu. Research Reports of the Faculty of Education. Sociology, no 24.
- Silverman, David (1985) *Qualitative methodology and sociology. Describing the social world* Aldershot: Gower.
- Smith, Joel (1991) 'A methodology for twenty-first century sociology' *Social Forces*, 70 (1) Chapel Hill: The University of North Carolina Press.
- Whyte, William Foote (1984) *Learning from the field. A guide from experience* Newbury Park: Sage.
- Willis, Paul (1977) *Learning to labour* London: Saxon House.